شماره ۵۶
دوره دوم
دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۵۹
بها ۱۵ ریال

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

حادثه‌ای در نفس خود بی اهمیت

درگرما گرم جنگ با تجاوزگران بعث عراق، هنگامی که جوانان عزیز ما برای پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی کشور و حفظ دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی ایران خاک میهن را با خون خود آبیاری می‌کنند، درزمانی که شور جانبازی توده‌های مستضعف انقلابی تازه به بار می‌نشیند و نخستین آثار پیروزی حق بر باطل نمایان می‌شود، در تهران، در نقطهٔ گرهی قدرت و به تعبیری دقیق‌تر در عرصهٔ اصلی مبارزه بر سر قدرت، حادثه‌ای ـ در نفس خود بی اهمیت ـ ناگهان موجی از هیجان برمی‌انگیزد که از یک کشاکش عمیق درونی و شاید هم یک تناقض اساسی در ترکیب حکومت و جامعهٔ امروزی ایران پرده برمی‌دارد.

پنجشنبه شب پانزدهم آبان، در برنامه‌ای که به نام "بحث آزاد" ترتیب داده شده بود، سخنانی از شبکهٔ دوم تلویزیون پخش گردید که در طی آن، به گفتهٔ حجة الاسلام علی قدوسی دادستان کل انقلاب، نسبت‌هایی به انجمن‌های اسلامی و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام داده شد و اعدام‌ها و مصادره‌هایی که در راستای تحکیم انقلاب و برکندن چنگ و دندان دشمنان آن صورت پذیرفته است مورد حمله قرار گرفت.

این موضع‌گیری منفی که نشان می‌دهد جریان کنونی امور کشور و انقلاب به مذاق برخی از مدعیان خوشایند نیست، چه بسا که در شرایطی دیگر نادیده و ناشنیده می‌ماند و به هر حال در ابتذال خود زود به فراموشی سپرده می‌شد. اما

مقتضیات زمان جنگ، بویژه لزوم حفظ یکپارچگی پشت جبهه، دادستانی انقلاب را به واکنشی قابل پیش‌بینی واداشت، و عجب آن که بی درنگ با اعتراض‌های شدید و گویی سازمان یافته‌ای روبرو شد. آقای مهندس بازرگان، طی یادداشتی با عنوان "معالجهٔ درد دندان با مشت و چکش" که تنها بخشی

صفحه ٦

عاشورای حسینی

روز پیروزی خون بر شمشیر، روز درخشش اسطورهٔ جانبازی و تسلیم ناپذیری حسین بن علی و یاران سلحشور او را در برابر دستگاه پر جبروت و ستمبارهٔ یزید بن معاویه، که همیشه الهام‌بخش زحمتکشان مومن و معتقد ما در مبارزه با ظلم و بیداد و یزیدی‌های زمانه بوده به همهٔ شیعیان انقلابی و معتقد صادق صمیمانه درود می‌گوییم و یاد این روز تابناک را که در برانگیختن شور انقلابی توده‌های میلیونی مردم ما در نبرد با دربار و امپریالیسم آمریکا نقش حیاتی داشته گرامی می‌داریم.

"اتحاد مردم"

دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در عرصه جهانی

پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی در میهن ما یک رویداد تاریخی شگرفی بود که بر مواضع امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ضربه‌های سنگینی وارد ساخت. با سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه معدوم، امپریالیسم آمریکا در این منطقه بزرگ‌ترین و حساس‌ترین پایگاه نظامی خود را برای همیشه از دست داد. پیروزی این انقلاب تناسب نیروها را در سطح منطقه به نحو شگرفی به زیان امپریالیسم و رژیم‌های ضدخلقی وابسته به آن و به نفع نیروهای ضد امپریالیستی و رژیم‌های مستقل ملی دگرگون ساخت و در تغییر تناسب نیروها در عرصهٔ جهان نیز تاثیر چشمگیر نمود.

انقلاب ایران با محتوای ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی و رهایی‌بخش خود از همان نخستین روزهای پیروزی با واکنشها و اتخاذ مواضع متفاوتی از جانب کشورهای منطقه و در مقیاس بین‌المللی روبرو گردید. در منطقه آن کشورهایی که رژیمهای ضدمردمی و وابسته به امپریالیسم آمریکا در آنها حکومت می‌کنند پیروزی این انقلاب و بسط و گسترش تاثیر آن در منطقه را مغایر منافع خود دیدند و مواضع خصمانه‌ای نسبت به آن اتخاذ نمودند و به عکس آن کشورهایی در منطقه که خود آماج توطئه‌ها و تحریکات و طرح‌های تجاوزی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشاندهٔ آن در منطقه هستند و خود درگیر مبارزه به خاطر دفاع از استقلال ملی و بر ضد امپریالیسم و تجاوزات صهیونیستی می‌باشند، پیروزی انقلاب ایران و سرنگونی رژیم دیکتاتوری و ضدخلقی وابسته به امپریالیسم امریکا را در ایران به نفع استحکام مواضع ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خود تلقی نموده و به

صفحه ۳

از سلسله قطعنامه‌های پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح (صوفیه ۲۷ـ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰)

دربارهٔ تحقق نظام اقتصادی جدید بین‌المللی

۱ـ پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح با نگرانی یادآور می‌شود که فاصله بین کشورهای پیشرفته و کشورهای رو به رشد افزایش یافته است. درحالی که گرسنگی و فقر و آلودگی و بیماری و محرومیت اجتماعی در کشورهای رو به رشد به سطح اضطراب‌آوری رسیده است، بر ثروت یک مشت شرکت‌های بزرگ چندملیتی به سرعت افزوده می‌شود.

وضع اقتصادی جهان رو به خرابی نهاده، بحران معمولی سرمایه‌داری نیز به بغرنج‌تر ساختن آن کمک کرده است. در عین حال، مسابقهٔ تسلیحاتی و انباشت جنگ افزارها فشار روزافزونی بر رشد اجتماعی ـ اقتصادی وارد می‌کند و مانع آن می‌شود.

۲ـ پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح بر آن است که بهبود اوضاع سیاسی در نتیجهٔ سیاست تشنج‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز و مبارزه برای خلع سلاح شرط اساسی برای رشد، پیشرفت اجتماعی و استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین‌المللی است.

ـ به رغم کوشش‌های سازمان ملل متحد و همهٔ نیروهای پیرو عقل سلیم، دههٔ دوم جهادرشد به سرپرستی سازمان ملل تا اندازهٔ زیادی یک شکست بوده است. مسئولیت این شکست و سرخوردگی ناشی از آن را پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی سرمایه‌داری و شرکت‌های چندملیتی ـشان به گردن دارند. آنان همچنین مانع تصویب استراتژی بین‌المللی رشد برای سومین دههٔ جهادرشد به سرپرستی سازمان ملل شدند و اکنون هم در پی آنند که مذاکرات جمعی به منظور اجرای یک نظام اقتصادی بین‌المللی را با شکست روبرو سازند.

ـ ازین رو، مبارزه ملت‌ها در سراسر جهان باید در جهت بازستاندن حقوق خود از کشورهای پیشرفته‌ای تمرکز یابد که در جهان دگرگون شوندهٔ عصر حاضر همچنان به نحوی از انحاء به سیاست امپریالیستی باز مانده از دوران استعمار ادامه می‌دهند و هم کشورهای خود و هم کشورهای رو به رشد را غارت و استثمار می‌کنند، و همانا عملیات اقتصادی و سیاسی آنها سرچشمهٔ اصلی استفادهٔ ناهنجار از منابع مواد خام و توزیع نادرست درآمدها، تراکم سودهای گزاف، ابقای امتیازات اقتصادی و بازرگانی، و همچنین محرومیت در پهنهٔ کشورهای رو به رشد و کم رشد می‌باشد.

ـ پس جامعهٔ بین‌المللی و ملت‌های سراسر جهان باید برای رفع بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های نظام اقتصادی بین‌المللی کنونی که از تقسیم نامعقول فعلی کار در عرصهٔ بین‌المللی ناشی می‌شود به چاره‌جویی برخیزند.

ـ هرگاه دگرگونی عمیقی در نظام کنونی صورت نگیرد، تنها پیشرفته‌ترین

صفحه ۲

مسائل صنعتی شدن کشورهای در راه رشد

کسب استقلال مستعمرات سابق، کشورهای نوپا را در برابر ضرورت عینی صنعتی شدن قرار داده است. شرایط ویژه‌ای که آنها این وظیفه را انجام می‌دهند با شرایط صنعتی شدن سرمایه‌داری در اروپای غربی، آمریکای شمالی و ژاپن فرق دارد و با شرایط صنعتی شدن سوسیالیستی اتحاد شوروی نیز در تفاوت است. انقلاب صنعتی در کشورهای آسیا و آمریکای لاتین همزمان با انقلاب علمی و فنی که خصلتی عمومی دارد، صورت می‌گیرد. در این کشورها صنعت حتی پیش از شکل گرفتن شیوهٔ تولید متناسب آن به وجود می‌آید. در کشورهای مذکور سرمایه‌داری به عنوان یکی از ساختارهای اقتصادی که فرصت شکل بندی نداشته، وجود دارد. در کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی صنعت بر اساس بخش دولتی که مضمون غیرسرمایه‌داری دارد، رشد می‌یابد. در این کشورها نیز سوسیالیسم به عنوان شیوهٔ تولید هنوز پدیدار نشده است. بنابراین، لازم به تاکید است که صنعتی شدن دولتهای نوپا به شدت منوط به روابط اقتصادی خارجی شان است.

صنعتی شدن کشورهای در راه رشد در جهانی که دو سیستم متضاد اجتماعی ـ اقتصادی در همزیستی و مسابقه به سر می‌برند، جریان دارد. در میان آنها کشورهایی با مراحل مختلف گذار از سرمایه

صفحه ۵

نیکاراگوئه در دومین سال پیروزی انقلاب

انقلاب نیکاراگوئه پس از درهم شکستن یکی از خونین‌ترین و با دوام‌ترین دیکتاتوری‌های نظامی ـ پلیسی آمریکای لاتین به دومین سال پیروزی خود گام نهاده است. وظایفی که این انقلاب در دستور روز قرار داده عبارتند از: ترمیم اقتصاد ویران شده از جنگ، تنظیم قانون اساسی برای حکومت انقلابی، برقراری دموکراسی واقعی و بهبود شرایط زندگی زحمتکشان.

اقتصاد هدف نخستین

اقتصاد نیکاراگوئه مبتنی بر کشاورزی است. این کشور قهوه، پنبه و شکر تولید می‌کند که عمدتا صادر می‌شوند. مانند سایر کشورهای آمریکای لاتین، پیش از انقلاب سیستم زمین‌داری بزرگ بر این کشور فرمانروا بود و بیش از نیمی از زمین‌های حاصلخیز به ۲۰۰ مالک بزرگ تعلق داشت. در عوض صدها هزار دهقان فاقد حتی یک قطعهٔ کوچک زمین بودند. حاصلخیزترین املاک با موسسات تبدیل موادشان به سوموزا و اطرافیانش تعلق داشت. تعدادی از این املاک هنگام جنگ از صورت اختصاصی بیرون آمد. دولت انقلاب با نخستین فرمان زمین‌ها را ضبط نمود و آنها را تحت مدیریت نهاد اصلاحات ارضی درآورد.

صفحه ۴

بقیه:

درباره تحقق نظام اقتصادی جدید بین المللی

کشورهای صنعتی جهان سرمایه‌داری به سوداندوزی خود ادامه خواهند داد.

– از آنجا که جهان ما را شبکهٔ روابط متقابل دربرگرفته است و به هر حال جریانات و موردآن وابسته به یکدیگر می‌باشند، مبارزه در راه عدالت و برابری در زمینهٔ روابط اقتصادی و بازرگانی و پولی، و همچنین مبارزه برای یک نظام اقتصادی جدید بین المللی باید مبارزهٔ متحد همهٔ ملت‌ها و همهٔ نیروهای پیشرو برضد نیروهایی که خواستار بقای وضع موجودند باشد. پس اتحاد کشورهای رو به رشد دارای معنا و اهمیت خاصی است.

– این مبارزه بویژه در کشورهای رو به رشد، به صورت اقامهٔ یک دعوای اساسی اجتماعی– سیاسی ظاهر می‌شود که حتی از مبارزه برای استقلال سیاسی بزرگتر و دشوارتر و پیچیده‌تر است. و این در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، مبارزه– ای است برای محو کامل استعمار و برای رشد مستقل اقتصادی.

– همهٔ ملت‌ها، بدون استثناء، از این مبارزه که موجب پیشبرد صلح بین المللی و امنیت و حیثیت انسانی خواهد بود بهره– مند خواهند شد.

۳– بر این مبنا، پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح چنین نتیجه‌گیری می‌کند که:

– اعلامیهٔ سازمان ملل متحد در یک نظام اقتصادی جدید بین المللی و نیز منشور ملل متحد دربارهٔ حقوق و وظایف اقتصادی کشورها متضمن وعده‌های بسیار بوده ولی تاکنون بسیار کم چیزی از آن به انجام رسیده است.

– مسئول اصلی نگته‌گیری‌های دور و دراز و بن بست در مذاکرات جاری، کشورهای عمدهٔ سرمایه‌داری، یعنی ایالات متحد آمریکا، انگلستان، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه و ژاپن می‌باشند که در جلسات اونکتاد پنجم و یونیدوی سوم و یازدهمین اجلاسیه مخصوص و نیز در کنفرانس مربوط به همکاری اقتصادی بین المللی کمترین حسن نیت سیاسی از خودنشان ندادند.

– شرکت‌های چندملیتی در واقع بر سوء استفاده از امکانات برتر خود بر ضد استقلال اقتصادی کشورهای رو به رشد و بر ضد استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین– المللی افزودند.

– شرط مقدماتی عمده برای پیشرفت اقتصادی در سطح ملی و بین المللی همانا گسترش فضای سیاسی مساعدی به منظور همکاری است. در این زمینه، تلاش سیاسی برای تحقق تدریجی دگرگونی‌های ساختاری اجتماعی – اقتصادی در نظام کنونی اقتصاد بین المللی، هم در پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی سرمایه‌داری و هم در حیطه نظام کهنهٔ اقتصادی در خود کشورهای رو به رشد، از اهمیت قاطعی برخوردار است، و این امر از طریق بسیج سراسری و به‌کار گرفتن منابع طبیعی و مواد خام و امکانات انسانی شان در برنامه‌ریزی ملی میسر است.

– این تدابیر دورنماهای پیشرفت واقعی برای کشورهای رو به رشد پدید خواهد آورد و آنها را قادر خواهد ساخت تا با اتکاء به خویش برنامه‌های انفرادی و جمعی طرح کنند و اتحادیهٔ اقتصادی مستقل و مترقی در سطح منطقه یا بخشی از منطقه تشکیل دهند. جامعهٔ بین المللی قادر خواهد بود الگوی تازه‌ای از روابط و همکاری دموکراتیک بین المللی، از قبیل همکاری شرق و غرب، همکاری کشورهای رو به رشد و کشورهای سوسیالیستی و بویژه همکاری بین خود کشورهای رو به رشد، به وجود آورد.

۴– پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح تاکید می‌ورزد که:

– مسابقهٔ تسلیحاتی با استقرار یک نظام اقتصادی جدید بین المللی منافات دارد. هر روز که در مسابقهٔ تسلیحاتی می– گذرد فرصتی است که برای رشد و پیشرفت از دست رفته، مقدار عظیمی از مواد خام و بخش بزرگی از مقدورات علمی، تکنولوژیکی ثروت زمینی و نیروی انسانی به طرزی ناروا به مصرف رسیده است. در بسیاری از کشورها، افزایش هنگفت بودجهٔ نظامی بخش غیرنظامی اقتصاد ملی را از رشد باز داشته است.

– قدمهای مهمی که برای پی بردن به رابطهٔ متقابل خلع سلاح و رشد از سوی سازمان ملل برداشته شده است می‌باید به روشن شدن اذهان در سراسر جهان و تشکیل یک کنفرانس ملل متحد دربارهٔ رابطهٔ خلع سلاح و رشد منتهی شود.

– پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح از تلاشهای سازمان ملل و ارگان‌های وابسته بدان در عرصهٔ رشد و استقرار نظام اقتصادی جدید بین المللی، کمک به کشور– های رو به رشد برای نیل به استقلال اقتصادی و تکنولوژیکی و دستیابی به بازارهای بین المللی و شناسایی حقوق و نقش و مشارکت شان در صندوق بین– المللی پول و در بانک جهانی قدردانی می‌کند.

پارلمان جهانی از یک رشته اقدامات مثبت، مانند برنامهٔ صنعتی کردن به سرپرستی صندوق مشترک اونکتاد و یونیدو که در راستای اهداف کنفرانس لیما تدوین شده است، افزایش کمک مالی و منابع مادی لازم برای رشد و تدابیر برای سبک کردن بار وامهای کشورهای رو به رشد، جبران خسارت مربوط به فرار مغزها، تدوین و اجرای آیین نامهٔ بین– المللی دربارهٔ شیوهٔ عمل در انتقال تکنولوژی و نیز آیین نامه دربارهٔ شیوهٔ عمل شرکت‌های چندملیتی، اجرای قواعد و اصول اونکتاد دربارهٔ اعمال محدودیت– ها در داد و ستد و مقاطعه‌کاریها، تدابیر مربوط به حمل و نقل، بویژه کشتیرانی در اقیانوسها و غیره جانبداری می‌کند.

– پارلمان طلب می‌کند که تصمیمات مثبتی که در کنفرانس‌های بزرگ سازمان ملل متحد، مانند کنفرانس دربارهٔ دانش و تکنولوژی در خدمت رشد، کمک تکنیکی به کشورهای رو به رشد، و کنفرانس جهانی خواربار اتخاذ شده است به اجرا گذاشته شود، مقررات کلیهٔ آیین نامه‌های بین المللی دربارهٔ شیوه رفتار به صورت قانونی الزامی گردد، کلیهٔ قواعد و اصول اعلام شده، از طریق استقرار یک نظام امنیت اقتصادی بین المللی که هدفش بویژه تضمین آن باشد که کشورهای رو به رشد بتوانند حقوق حاکمیت اقتصادی خود را بر مواد خام و دیگر منابع طبیعی شان اعمال کنند، در برابر تدابیر خصمانه و تلافی‌جویانه در امان باشد، کنفرانسی از سوی سازمان ملل تشکیل شود تا یک رشته قواعد و اصول جامع دربارهٔ بازرگانی وضع کند.

– پارلمان جهانی همگان را برای حل هرچه زودتر مسائل حادی که در زمینه‌های خواربار، گرسنگی، بیکاری، مسکن، خدمات بهداشتی، بیماریهای همه‌گیر و بیسوادی مطرح است از طریق کمک فوری بین المللی و تدابیر دراز مدت، از جمله استفادهٔ بهتر از دانش و تکنولوژی در خدمت رشد، فرا می‌خواند.

پارلمان جهانی اصرار می‌ورزد که:

– همهٔ مسائلی که با نظام اقتصادی جدید بین المللی در ارتباط اند به یک برخورد جامع به هم پیوسته و تدابیر دراز مدت نیاز دارند، نه آن گونه برخوردی که می‌خواهد مسائل را با تصمیمات جداگانه و تنها با اقدامات تسکین دهنده حل کند.

– خواه در داخل و خواه در بیرون سازمان ملل، دولت‌ها به تنهایی و بدون شرکت موثر و فشار توده‌ها، به زحمت قادرند اهداف ملت‌ها را به انجام رسانند.

– مقاصد و اهداف استراتژی جدید رشد بین المللی در دههٔ سوم جهاد برای رشد به سرپرستی سازمان ملل باید بر اساس موافقت همگانی تصویب و برآورده شود و به عنوان یک مسئولیت مشترک به عمل در آید، و در زمینه‌هایی که تقدم دارد، از طریق موافقت نامه‌ها و تدابیر موثر به اجرا گذاشته شود. این امر، پیش از هر چیز، به یک برخورد سازنده در مذاکرات و به گذشت– های عمده از سوی کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی نیازمند است. با این همه، وظیفه اصلی کشورهای رو به رشد آن است که با اتخاذ تدابیر جامع و مترقی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به منظور رشد و اجرای دگرگونی‌های داخلی، تغییرات ساختاری در جامعه و در رژیم کشورهای خود پدید آورند. در این زمینه کمک بین المللی به کشورهای رو به رشد ضرورت دارد.

– پارلمان جهانی از سازمان ملل، دولتها، سازمانهای بین دولتی و غیر– دولتی و توده‌های مردم دعوت می‌کند تا دست به دست هم دهند و یک همکاری ثمربخش به منظور رشد و استقرار نظام اقتصادی جدید بین المللی به وجود آورند.

– پارلمان جهانی ارزیابی‌ها، پیشنهادها و خواست‌های جنبش کشورهای غیرمتعهد را دربارهٔ رشد و استقرار نظام اقتصادی جدید بین المللی، آن گونه که در ۱۹۷۹ در اجتماع سران در هاوانا آمده است، مورد پشتیبانی قرار می‌دهد و از این جنبش دعوت می‌کند تا برنامه‌های خود را در مورد همکاری اقتصادی به مرحلهٔ اجرا در آورد. پارلمان جهانی از پیشنهاد ارائه شده در سی و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل از سوی پرزیدنت فیدل کاسترو، رئیس جنبش غیرمتعهد، مبنی بر اختصاص یک کمک مالی اضافی به کشور– های رو به رشد که مبلغ آن از سیصد میلیارد دلار کمتر نباشد پشتیبانی می‌کند.

۵– در پایان، پارلمان جهانی فعالیت‌های همگانی زیر را توصیه می‌کند:

– به اجرا گذاشتن یک برنامهٔ موثر عمل، بویژه در سطح ملی، به منظور نیل به رشد مستقل و استقرار نظام اقتصادی جدید بین المللی. در این برنامهٔ عمل باید بر رابطهٔ متقابل بین خلع سلاح و رشد، بر تاثیر کلی بحران اقتصادی و مسابقهٔ تسلیحاتی بر سطح زندگی و پیشرفت اجتماعی توده‌ها، بر نقش افکار عمومی و نقش زنان در امر رشد، و بر مبارزه توده‌های فقیر برای اعادهٔ حقوق اقتصادی خود و ارضای مطالبات– شان دربارهٔ زمین تاکید شود.

– تاسیس گروه‌های ویژهٔ ملی و مراکز منطقه‌ای به منظور رشد و توسعه.

– تقویت همکاری در سطوح مختلف با سازمان ملل و سازمانهای بین دولتی و غیردولتی.

– شرکت موثر همه طرفهای ذی نفع در مذاکرات جامعی که از سوی یازدهمین اجلاسیهٔ مخصوص برنامه‌ریزی شده است.

– تدارک فعال و شرکت در فعالیت– های عمدهٔ سازمانهای غیردولتی، مانند سومین کنفرانس جهانی دربارهٔ رشد که قرار است به سرپرستی شورای جهانی صلح در سال ۱۹۸۱ در مکزیک تشکیل شود.

❖

بزرگ مالک روستای عباس آباد زرند کرمان همچنان به چپاول دهقانان مشغول است

روستای "عباس آباد" در ۴ کیلومتری جنوب غربی زرند کرمان واقع است. در این روستا حدود ۸۰ خانوار زندگی می‌کنند.

محصول عمدهٔ این روستا پسته است. اکثر باغات پسته به بزرگ مالکی تعلق دارد که با دربار سابق روابط بسیار نزدیکی داشت. این زمیندار بزرگ و برادرش در روستاهای این منطقه مالک هکتارها زمین پسته‌کاری هستند. اکثر مردان این روستا در شهرستان زرند در تاسیسات ذوب آهن مشغول کارند. به گفتهٔ اهالی علت این امر وجود بزرگ مالکان است که برای کارکشاورزان اشکال ایجاد می‌کردند.

آبیاری اراضی زراعتی عباس آباد توسط ۷ چاه عمیق صورت می‌گیرد. ۵ پمپ آب این چاه‌ها به یک بزرگ مالک، یک پمپ به یک فئودال دیگر و تنها یک پمپ به دهقانان تعلق دارد که تازه یک چهارم آن در مالکیت بزرگ مالک است. پیش از انقلاب بزرگ مالک این روستا با استفاده از نفوذ خود در دربار سابق دهقانان را به شدت استثمار می‌نمود و مانع از حفر چاه، عمیق برای تامین آب آشامیدنی دهقانان بود. جالب این است که مالک مذکور در زمان طاغوت مامور اصلاحات ارضی در آن سامان بود. به گفتهٔ دهقانان مالک یاد شده پس از انقلاب کلیهٔ باغات خود را به شخص دیگری اجاره داد. او اکنون در تهران زندگی می‌کند و به روستا نمی‌آید.

در این ده درمانگاه و لوله‌کشی آب وجود ندارد. آب آشامیدنی این روستا که از چاههای عمیق تامین می‌شود، شور است. این روستا فقط یک مدرسهٔ چهار کلاسه دارد.

از بعد از انقلاب مردم روستا به کمک جهاد سازندگی از یک تانکر روغنی پمپ آب بزرگ مالک استفاده کرده، آب آشا– میدنی خود را در آن ذخیره می‌کنند. اما متاسفانه این تانکر اغلب فاقد آب است. برای ساختن خانه مقداری زمین بین روستائیان تقسیم شده است.

بیشتر اهالی در صدد ترک این روستا هستند. چون به خاطر نداشتن زمین، کم درآمدند.

بدیهی است که تنها با اجرای سریع قانون واگذاری زمین به دهقانان می– توان از گسترش این پدیدهٔ نامیمون جلوگیری کرد و مانع از مهاجرت آنان به شهرها و متروک ماندن روستاها شد■

بقیه: دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران ...

پشتیبانی از آن برخاستند. در سطح جهانی نیز وضع به همین منوال بود. دولی که خود جزء سیستم امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند و پیروزی انقلاب ایران و سرنگونی رژیم وابسته و استقرار یک نظام مستقل ملی خلقی و ضد امپریالیستی در کشور ما به منافع آنان لطمه وارد نمود و مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آنان را چه در منطقه و چه در سطح جهان تضعیف و متزلزل ساخت، نسبت به این انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از سیاست امپریالیسم آمریکا و برحسب سرشت امپریالیستی خود دست به کار توطئه و تحریک و وارد کردن فشارهای سیاسی و اقتصادی و تهدیدات نظامی علیه انقلاب نوپا و نظام جمهوری اسلامی ایران شدند.

امپریالیسم آمریکا که از همان دوران اوجگیری جنبش انقلابی مردم ما از هیچ گونه تلاش و اقدامی برای به خاک و خون کشیدن و سرکوب این جنبش و پشتیبانی از رژیم دیکتاتوری شاه معدوم فروگذار نکرد پس از پیروزی انقلاب فشارهای سیاسی و اقتصادی و توطئه‌های تجاوزنظامی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را با هدف براندازی این نظام و تحمیل مجدد یک رژیم ضدخلقی دست نشانده به مردم ایران ادامه و گسترش داد.

رژیم‌های وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه نیز به حکم سرشت ضدخلقی خود و تبعیت از سیاست امپریالیسم آمریکا و ترس از اینکه تاثیرات انقلاب ایران بتواند به بیداری خلقهای این کشورها مساعدت کند و به سرنگونی رژیمهای ضدخلقی و وابسته بیانجامد علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران روش خصمانه‌ای در پیش گرفتند و در توطئه‌ها و تحریکات امپریالیسم آمریکا برضد جمهوری اسلامی ایران شرکت جستند.

رژیم سادات در مصر، سلطان قابوس در عمان، عربستان سعودی، اسرائیل و پاکستان، اردن، سودان، تونس، مراکش و سومالی فعالیت‌های نظامی و خرید جنگ افزار را گسترش دادند، تاسیسات و پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار دادند و عملا به برنامه‌های تدارکات جنگی و توطئه‌های تجاوزگرانهٔ آمریکا علیه ایران پیوستند انورسادات اعلام نمود که تمام تاسیسات و پایگاههای نظامی مصر را برای عملیات تجاوز علیه ایران در اختیار آمریکا می‌گذارد. از جانب عربستان سعودی اعتبارات چند میلیون دلاری برای خرید جنگ افزار و تجهیزات نظامی به پاکستان داده شد، رژیم سلطان قابوس پایگاه‌های نظامی خود را برای پیاده کردن و استقرار واحدهایی از نیروهای واکنش سریع در اختیار وزارت دفاع آمریکا قرار داد. تجاوز نظامی نافرجام آمریکا در عملیات طبس با استفاده از امکانات نظامی مصر و پاکستان، عمان و عربستان سعودی انجام گرفت. پس از تجاوز نظامی جنایت‌آمیز دارودستهٔ رژیم خائن صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران همین رژیمهای ضدخلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه از تجاوز نظامی عراق به ایران پشتیبانی کرده و آمادگی خود را برای هرگونه کمک و از آن جمله کمکهای نظامی به رژیم صدام حسین اعلام داشتند. در مقابل کشورهای عضو جبههٔ پایداری - الجزایر، سوریه، لیبی، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین - که خود درگیر مبارزه با امپریالیسم آمریکا و مقاومت

در برابر نقشه‌های تجاوزگرانهٔ اسرائیل قرار دارند، از نخستین روز پیروزی انقلاب مردم ایران و استقرار جمهوری اسلامی، حمایت و پشتیبانی خود را از این انقلاب اعلام نموده، در برابر توطئه و تحریکات امپریالیسم آمریکا به دفاع از جمهوری اسلامی ایران برخاستند و برای بسط و توسعهٔ روابط خود با جمهوری اسلامی ایران در همهٔ زمینه‌های سیاسی و اقتصادی ابراز آمادگی کردند. این کشورها جنگ تحمیلی و خائنانهٔ رژیم صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم نمودند و به درستی این جنگ را حلقه‌ای از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ارزیابی نموده و آمادگی خود را برای هر گونه کمک به جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند. در سطح جهانی نیز کشورهای امپریالیستی - فرانسه، انگلیس، آلمان غربی، ژاپن - به تبعیت از سیاست امپریالیستی خود که پیروزی انقلاب ایران و استقرار جمهوری اسلامی ایران به مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آنان به مقیاس جهانی لطمه وارد ساخته و این مواضع را تضعیف نمود. در تمام اقدامات سیاسی و اقتصادی و تهدیدات نظامی امپریالیسم آمریکا علیه ایران شرکت نمودند. انگلیس فرانسه، آلمان غربی و ژاپن در تحریم و محاصرهٔ اقتصادی علیه ایران شرکت نمودند. واحدهایی از نیروی دریایی انگلیس و فرانسه و آلمان غربی به بهانه پاسداری و حفظ امنیت آبراه‌های خلیج فارس و تنگهٔ هرمز به این منطقه اعزام شدند و در مانورهای دریایی تهدیدآمیز نیروی دریایی آمریکا در این منطقه شرکت نمودند. دول امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن تجاوز نظامی نافرجام امپریالیسم آمریکا در طبس را تایید نمودند و به تقویت نیروی نظامی رژیمهای ضدخلقی و وابسته در منطقهٔ خلیج فارس پرداختند که قرارداد ۴/۵ میلیارد دلاری فرانسه با عربستان سعودی در مورد فروش جنگ افزار و ناوهای جنگی فرانسه به عربستان سعودی که اخیرا منعقد گردید از نمودارهای برجستهٔ آن می‌باشد.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از نخستین روز پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، از این انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی نموده و آمادگی خود را برای گسترش روابط با جمهوری اسلامی نوبنیاد ایران در همهٔ زمینه‌ها ابراز داشته‌اند.

زمانی که امپریالیسم آمریکا تلاش نمود محاصرهٔ اقتصادی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد برساند و از طریق این سازمان بین‌المللی این توطئه را به دیگر کشورها تحمیل نماید، اتحاد شوروی مانند عضو رسمی شورای امنیت سازمان ملل متحد با استفاده از حق وتو پیشنهاد دولت آمریکا را رد کرد و بدین وسیله توطئهٔ محاصرهٔ اقتصادی به مقیاس جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران را با شکست روبرو ساخت. در عین حال اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی آمادگی خود را برای تامین نیازمندی های اقتصادی ایران در شرایط محاصرهٔ اقتصادی که از جانب آمریکا و دیگر دول غربی اعمال گردیده اعلام داشتند. از سوی دیگر در رابطه با تدارکات جنگی روزافزون و گستردهٔ امپریالیسم آمریکا در منطقهٔ خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران، دولت شوروی با اخطارهای

مکرر خود دولت آمریکا را از ادامهٔ این گونه اقدامات خطرناک و مداخلهٔ نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران برحذر داشت.

متاسفانه تا قبل از تجاوز نظامی جنایتکارانهٔ رژیم صدام حسین که به تحریک امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای منطقه و در روابط بین‌المللی آن نواقص و نارسائیهایی وجود داشته که از جانب مقامات مسئول و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به آنها اشاره شده است و کوشش‌هایی جهت رفع این نارسایی ها و تدوین یک سیاست خارجی اصولی مبتنی بر تامین منافع انقلاب و تثبیت مواضع بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به عمل آمده و در این زمینه موفقیتهایی حاصل شده است.

بدون تردید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران یک اهرم مهم و موثری است که در صورت تدوین و اتخاذ خط مشی انقلابی راستین می‌تواند در گسترش و استحکام دستاوردهای انقلاب و استواری مواضع بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران نقش پرارزشی داشته باشد. برای تدوین یک چنین سیاست خارجی اصولی و اتخاذ خط مشی های واقع بینانه قبل از هر چیز شناخت عینی و به دور از هرگونه تعصب و ذهن گرایی و پیش داوری نسبت به نیروها در منطقه و در عرصهٔ جهانی ضرورت دارد. چنین سیاستی در روابط بین‌المللی با توجه به محتوا و هدف ضد امپریالیستی انقلاب و تامین استقلال کامل کشور در همهٔ زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی بایستی در سمت همکاری و گسترش روابط با همهٔ آن کشورها و نیروهایی باشد که در جبههٔ ضد امپریالیستی جهانی قرار دارند و آماده‌اند طبق اصول برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی و احترام به حق حاکمیت و استقلال کامل جمهوری اسلامی ایران با ما همکاری کنند. در شرایط کنونی تحمیل جنگ جنایتکارانهٔ دارودستهٔ رژیم صدام حسین و مواضع خصمانه‌ای که رژیم ضدخلقی و دست نشانده در منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نموده و عملا از دولت تجاوزکار عراق پشتیبانی می‌کنند و در شرایطی که توطئه‌ها و تحریکات و تدارکات نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد، شناخت دوستان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چه در منطقه و چه در مقیاس بین‌المللی اهمیت بیشتری کسب می‌کند. مرزبندی مشخص میان دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ یک موضع اصولی و واقع گرایانه در این زمینه بیش از هرچیز به تدوین سیاست خارجی اصولی جمهوری اسلامی ایران و برقراری روابط آن با کشورهای منطقه و سایر کشورهای جهان که در جبههٔ جهانی مبارزه با امپریالیسم قرار دارند مساعدت می‌کند ●

شرکت فعال در جنگ عادلانه برضد دولت متجاوز عراق یک وظیفه انقلابی است!

کنفرانس ابراز همبستگی با نیروهای ضد امپریالیست خلیج فارس در نیکوزیا

هفتهٔ گذشته در نیکوزیا پایتخت قبرس به ابتکار سازمان همبستگی کشورهای آسیا و آفریقا یک کنفرانس فوق‌العاده با شرکت نمایندگان قریب ۶۰ کشور برای ابراز همبستگی با نیروهای ضد امپریالیست خلیج فارس برگزار شد.

شرکت کنندگان در کنفرانس وظیفهٔ خود دانستند اوضاعی را که در خلیج فارس در نتیجه تلاشهای خرابکارانهٔ امپریالیسم مقدم بر همه ایالات متحدهٔ آمریکا برای بازستاندن مواضع سیاسی و نظامی از دست رفتهٔ خود در این منطقهٔ جهان پدید آمده است مورد بررسی قرار دهند.

چنانکه می‌دانیم بسیاری از کشورهای این منطقه در ده سال اخیر از یوغ امپریالیستها آزاد شدند، با این که این آزادی هنوز کامل نیست، در هر صورت یک پدیدهٔ مهم تاریخی برای تمامی خاور نزدیک و میانه است.

از رویدادهای مهم دههٔ گذشته در این منطقه برچیده شدن بسیاری از پایگاه‌های نظامی خارجی، مقدم بر همه پایگاه‌های نظامی انگلیس در خلیج فارس، اخراج امپریالیسم آمریکا از ایران، ملی شدن شرکتهای نفتی و تحت کنترل ملی درآمدن بسیاری از شرکتهای نفتی است. درنتیجهٔ این اقدامات، استقلال کشورهای منطقهٔ مورد بحث هرچه بیشتر نمایان می‌گردد و آنها امکان می‌یابند نقش مستقل بیشتری در صحنهٔ بین‌المللی ایفا کنند.

از پایان سال گذشته گرایش جدیدی به چشم می‌خورد و آن عبارت از احداث پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقهٔ خلیج فارس و اقیانوس هند است. چنین پایگاه‌هایی هم اکنون در عمان ایجاد شده است پایگاه سابق نظامی انگلیس در بحرین که اکنون به آمریکا تعلق دارد، دوباره شروع بکار کرده است. پس از چند سال مجدد واحدهای نظامی آمریکا در خاک عربستان سعودی به فعالیت پرداخته‌اند. همچنین پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه‌های بالنسبه دورتر از خلیج فارس در خاک مصر و کنیا ایجاد شده است. واشنگتن این مناطق را حریم "حیاتی" خود اعلام کرده است. این مساله بسیار جدی است.

نمایندگان کنفرانس نیکوزیا حقایق زیادی درباره استقرار واحدهای نظامی آمریکا در این منطقه از جهان ابراز کردند. در عین حال به این حقیقت بسیار مهم اشاره شد که جنبش مترقی در این کشورها روز به روز ابعاد بیشتری پیدا می‌کند سطح آگاهی مردم فزونی می‌یابد و تمایل به تشریک مساعی احزاب و سازمان های مترقی روز به روز بیشتر می‌شود. این جریان در اسناد مصوب کنفرانس انعکاس یافته است. شرکت کنندگان در کنفرانس همچنین به پدیدهٔ مهمی که باعث تشدید وخامت اوضاع منطقهٔ خلیج فارس شده است توجه نمودند. مطلب بر سر درگیری نظامی ایران و عراق است. این جنگ که به تحریک امپریالیسم آمریکا به ایران تحمیل شده، جنگی است که شیرهٔ جان ملت ها را می‌مکد خسارات و ویرانی های فراوانی به بار می‌آورد، ثروت های طبیعی ایران و عراق را به باد فنا می‌دهد و جوانان این دو کشور را به کام نیستی می‌کشاند. از این جنگ، امپریالیسم و نوکران آن در منطقه بهره‌برداری می‌کنند.

صفحه ۴

نیکاراگوئه در دومین سال پیروزی انقلاب

– ها فعالانه به‌کار گرفته می‌شود. با تب نوبه که در این کشور شیوع دارد، شدیداً مبارزه می‌شود. همهٔ کودکان در برابر فلج اطفال، دیفتری و سایر بیماری های واگیردار واکسینه شده‌اند. پلی کلینیک های متعددی در مناطق عقب مانده دایر شده است. این مناطق هرگز پزشک به روی خود ندیده بودند. در این یک سال شش بیمارستان بزرگ در شهرها ساخته شد.

دولت انقلابی سوادآموزی را از وظایف اصلی خود اعلام نمود. در آغاز سال جاری یک برنامهٔ پنج‌ماهه به تصویب رسید و ۹۵۰۰۰ جوان برای اینکار استخدام شدند. آنها به شهرهای دورافتاده و روستاهای دوردست در دل کوه‌ها و جنگل ها اعزام شدند. کوبا نیز گروهی از معلمانش را به کمک فرستاد. پایان ماه اوت (مرداد ماه) نتایج این پیکار بررسی و اعلام شد. ۴۶۰۰۰۰ نفر خواندن و نوشتن آموختند و ۲۰۰۰۰۰ نفر دیگر به زودی باسواد خواهند شد.

این پیکار ژرفای تغییرات انقلابی را برای مردم زحمتکش ملموس نمود. ضدانقلاب کوشید این اقدام بزرگ را بی‌اعتبار سازد و با ترتیب باندهای تروریست مانع از پیشرفت نهضت سوادآموزی شود. بسیاری از جوانان بدست این باندها از پا درآمدند.

حکومت خلق

جمهوری نیکاراگوئه براساس قانون اساسی موقت اداره می‌شود. این متن برابری همهٔ شهروندان را در برابر قانون و حق آزادی بیان را برای آنان تضمین کرده است. وزارتخانه‌های مهم چون دفاع، برنامه‌ریزی و کشاورزی تحت رهبری و مدیریت رجال جبههٔ رهایی ملی ساندینیست قرار دارد. این جبهه نیروی محرک انقلاب خلق نیکاراگوئه است. ارتش توده‌ای ساندینیست، واحدهای مسلح خلقی ساندینیست، امنیت دولتی و پلیس ساندینیست برای دفاع از میهن انقلابی در برابر تهدیدات دشمنان طبقاتی داخلی و خارجی بوجود آمده است.

ایده‌های ساندینو درباره مبارزه با امپریالیسم، دفاع مسلحانه از حاکمیت ملی، نقش طبقات زحمتکش در سرنوشت‌های ملت در برنامهٔ جنبش ساندینیست مجسم شده است. "ساندینوی دیروز، ساندینوی امروز، ساندینوی همیشه!" یکی از توده‌ای‌ترین شعارها است.

کارلوس فونسه‌کا که در مبارزه با نیروهای سرکوبگر دیکتاتور سوموزا در نوامبر ۱۹۷۶ تقریبا در ۴۰ سالگی از پا درآمد، یکی از ایدئولوگها و بنیانگذاران جبههٔ ساندینیست بود. به افتخار این انقلابی نامی در میدان انقلاب واقع در مرکز ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه بنای یادبود ساده‌ای برپا شده که یک مشعل همیشه در آن فروزان است. یکی از خیابان های ماناگوا نیز به‌نام این قهرمان ملی نامگذاری شده است.

پیروزی بر دیکتاتوری سوموزا تنها تحت رهبری جبهه رهایی ملی ساندینیست که در ۱۹۶۱ پی ریزی شد، امکان‌پذیر گردید. از این رو، این جبهه به‌حق نقش حزب حاکم را بازی می‌کند.

در سند شورای رهبری حکومت نوزایی ملی که ارگان عالی حکومت به‌شمار می‌رود، فرمانروایی جبههٔ رهایی ملی ساندینیست به رسمیت شناخته شده و در آن تاکید گردیده است که این جبههٔ پیشاهنگی است که امر جنگ انقلابی را به انجام رسانده و با تکیه بر توده‌های وسیع مردم در صدر روند انقلابی قرار گرفته است".

البته، جبههٔ رهایی ملی ساندینیست در ادارهٔ کشور تنها نیست. همهٔ قشرهای اجتماعی و همهٔ گروه‌های سیاسی وابسته به امر انقلاب در ادارهٔ کشور شرکت دارند. از این رو در شورای رهبری تنها یک نمایندهٔ جبههٔ رهایی ملی ساندینیست شرکت دارد. شورای دولتی، ارگان قانونگذاری و اجرایی متشکل از نمایندگان تقریبا همهٔ احزاب سیاسی، سندیکاها، محافل بازرگانی، چندین سازمان اجتماعی و حتی اپوزیسیون است. مخصوصا در این ارگان حزب محافظه‌کار دموکرات و جنبش دموکراتیک نیکاراگوئه نیز عضویت دارند.

حزب سوسیالیست نیکاراگوئه، حزب خلق اجتماعی – مسیحی و حزب لیبرال مستقل متشکل در جبههٔ رهایی ملی ساندینیست نیروهای پیشرو و دموکراتیک جبههٔ میهن‌پرست انقلاب را تشکیل می‌دهند.

انقلاب توده‌های وسیع زحمتکشان را به مبارزه طبقاتی سوق داد. تحت رهبری جبههٔ رهایی ملی ساندینیست، مرکز سندیکایی ساندینیستی زحمتکشان (سازمان ملی)، جمعیت زنان نیکاراگوئه و اتحادیه جوانان ساندینیست بوجود آمده است. در همه‌جا کمیته‌های دفاع ساندینیست که در بسیج تودهٔ مردم برای مبارزه با دشمن به دولت کمک می‌کنند، شکل گرفته است.

امپریالیسم، ارتجاع داخلی و خارجی تلاش می‌کنند که روند انقلابی این کشور را متوقف سازند. مخالفین، سخنگویان صاحبان صنایع بزرگ و استثمارگران در اقدامات دولت کارشکنی می‌کنند و برای انجام فوری انتخابات "آزاد" پارلمانی و تعیین رئیس جمهور فشار وارد می‌آورند. رهبری جبههٔ رهایی ملی ساندینیست توضیح می‌دهد که تدارک انتخابات پیش از ۱۹۸۴ آغاز نخواهد شد. زیرا این کار "مردم را از انجام وظایف اصلی میهن باز می‌دارد" شورای رهبری تا ۱۹۸۵ یعنی تا زمان به فرجام رسیدن امر پیشرفت باقی می‌ماند.

گاردهای سوموزا که به کشورهای همسایه (مخصوصا به هندوراس) فرار کرده‌اند، تحت حمایت دیکتاتورهای ضدخلقی آمریکای مرکزی و سازمان سیا (ایالات متحده) نهان و آشکار با رژیم انقلابی مبارزه می‌کنند. آنها مخفیانه وارد نیکاراگوئه شده، به پست‌های ارتش خلقی حمله می‌کنند، اعضای دولت انقلابی و نیروهای ضربتی سوادآموزی را از پا درمی‌آورند، اموال تعاونی های دهقانی را آتش می‌زنند و حیوانات اهلی را با خود می‌برند. این باندها گاه توسط مالکان بزرگ ارضی رژیم‌های همسایه که با سوموزا همکاری نزدیک داشتند، سازمان داده می‌شوند. دولت برای خنثی کردن این توطئه‌ها از ارتش و نیروهای مسلح خلق کمک می‌گیرد. در ماه اوت – سپتامبر راهزنان ضدانقلاب در بخش های نوئوسگوویا، زلایا و مناطق دیگر پاکسازی شدند.

ماه سپتامبر یک توطئهٔ ضدانقلاب به رهبری برناردینو لاریوس سرهنگ سابق گارد ملی خنثی شد. این واقعه نشان داد که سیا طرح‌های خطرناکی در چنته دارد که اعزام باندهای مسلح فقط برای سرگرم نگاه داشتن است. این طرح‌ها برای حمایت از عناصر بورژوازی و زمینداران بزرگ است که نمی‌خواهند امتیازاتشان را از دست بدهند.

تهدیدات دشمنان با جدیت از جانب امنیت دولتی، افراد مسلح غیرنظامی، کمیته‌های دفاع از انقلاب و همه مردم نیکاراگوئه که به سوی آینده‌ای روشن و مطمئن گام برمی‌دارند، خنثی می‌شود.

تشکیل تعاونی ها برای بهره‌برداری از واحدهای کوچک یکی دیگر از شیوه‌هایی است که برای انجام دگرگونی در روستا انتخاب شد. در یک سال تقریبا ۲۵۰۰ تعاونی که اکثراً تعاونی های تولیدند، تشکیل شده است. دولت به این تعاونی ها اعتبار و کمک فنی داده، بذر آنها را تامین کرده و محصولشان را خریداری می‌کند.

البته، هنوز تعداد زیادی واحدهای کوچک بهره‌برداری فردی و زمین های اجاره‌ای وجود دارد. قسمتی از زمین‌های ضبط شده به آنها واگذار شده است. این واحدهای بهره‌برداری تا یک چهارم تولید کلی کشاورزی و تقریبا یک سوم قهوه و پنبه را تولید می‌کنند. دولت به این واحدها نیز کمک می‌کند.

مالکیت بزرگ ارضی هنوز برجاست. این در مورد مالکینی است که با رژیم سوموزا در نیامیخته بودند. برخی از آنها هنوز زمین های وسیعی در اختیار دارند. مسالهٔ تغذیه، صادرات مواد صنعتی به قدری حاد است که دولت از همهٔ بخش ها دعوت به عمل آورد که تولیدشان را فعالانه بالا ببرند. با وجود این، این دعوت چنانچه باید و شاید از جانب بخشی از مالکان بزرگ زمین استقبال نشد. آنها در صدها هزار هکتار زمین متعلق به خود نه اقدام به کاشتن گندم کردند و نه آنها را به اجاره دادند. دولت به این مالکان اطلاع داد که یک چنین موضع‌گیری نمی‌تواند مجاز و قابل تحمل باشد. قانون مربوط به استفادهٔ معقولانه از زمینها که تحت بررسی است، در نظر دارد زمین های بایر را ضبط کند و آنها را به کسانی بسپارد که بتوانند روی آن کار کنند. یعنی این زمین ها به دهقانان زحمتکش واگذار شود.

دولت انقلاب در زمینهٔ اعتلای صنعت نیز با مشکلات روبروست. بیشتر موسسات صنعتی و کارخانه‌ها در نتیجهٔ بمباران ها آسیب دیده‌اند و جریان عادی تهیه مواد اولیه نیز دچار اختلال شده است.

امروز بیش از ۲۰۰ موسسه که به دارودستهٔ سوموزا تعلق داشتند، تحت کنترل دولت قرار گرفتند و جزء ثروت ملی به شمار می‌روند.

بخش عمومی صنعت با بانک ها و تجارت خارجی ملی به ابزار پیشرفت اقتصاد بدل شده است. صنعت معدن که از ۱۸۸۰ تحت کنترل انحصارات خارجی قرار داشت ملی شده است. در عین حال، دولت از ابتکار خصوصی به نفع اقتصاد ملی استفاده می‌کند. موسسات خصوصی برای توسعه و تجارتی شدن محصولات از دولت اعتبار و کمک دریافت می‌دارند.

این اقدامات به وجوه قابل ملاحظه‌ای نیاز دارد و دولت فاقد آن است. خلق نیکاراگوئه برای غلبه بر ویرانی اقتصادی از جانب دوستان مطمئن خود: کوبا، اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشورهای جامعهٔ سوسیالیستی کمک دریافت می‌کند.

روابط اقتصادی با سوئد، اسپانیا، جمهوری فدرال آلمان، مکزیک، ونزوئلا و غیره برقرار گردیده است. ایالات متحده نیز موافقت کرده است که به این کشور کمک نماید. کنگره تلاش کرد از این کمک برای تحمیل شرایط سیاسی بهره‌برداری کند، اما رهبران نیکاراگوئه با قاطعیت آن را رد کردند.

پیکار علیه بیماریها و بیسوادی

دولت انقلابی در زمینهٔ اجتماعی تلاشش را روی مسائل فوری به‌جا رسیده از سلطهٔ دیرین امپریالیسم و الیگارشی متمرکز کرده است. بهداشت و آموزش عمومی در صدر برنامهٔ اجتماعی دولت قرار گرفته است.

شعار انقلابی تضمین تندرستی برای همهٔ نیکاراگوایی

بقیه:

کنفرانس ابراز همبستگی با نیروهای...

شرکت کنندگان در کنفرانس نیکوزیا طی پیامی به دولت ایران و عراق نظرات خود را درباره جنگ اعلام داشتند و خواستار خاتمهٔ آن براساس حق و عدالت شدند.

شرکت کنندگان در این کنفرانس پرنماینده آمادگی خود را برای تحکیم وحدت نیروهای ترقیخواه در مقابله با دسایس امپریالیستی در منطقهٔ خلیج فارس و اقیانوس هند و تشدید پشتیبانی بین المللی از مبارزه خلقهای منطقه نشان دادند.

مطبوعات جهان و اوضاع منطقه خلیج فارس

کشورهای امپریالیستی به سرکردگی آمریکا برای تشدید حضور نظامی خود در خلیج فارس تدارک می‌بینند. روزنامهٔ تایمز چاپ لندن اطلاع داده بود که در حال حاضر فرماندهی نیروی دریایی انگلیس به تشکیل یک ناوگروه سریع‌العمل مشغول است که دو هفتهٔ دیگر رهسپار منطقهٔ خلیج فارس خواهد شد. ناوشکن برمینگن و فرگات آوینچر و دو ناو حمایتی جزء این ناوگروه خواهد بود. طبق اطلاع رسمی هدف از اعزام ناوگروه جدید انگلیس تامین کشتی رانی این کشور در منطقهٔ خلیج فارس است. جراید به این نکته عطف توجه می‌کنند که تدارکات در پایگاه دریایی پورت اسموت برای اعزام این ناوگروه سریع‌العمل با شتابزدگی انجام می‌گیرد. در حال حاضر در مجاورت مستقیم محل درگیری ایران و عراق یک ناوگروه انگلیسی که ناوشکن موشکی کوونتری و فرگات آلاکرتی و ناوهای حمایتی جزء آن هستند، به اتفاق ناوگروه آمریکایی در مانوورهای مشترک در خلیج عمان شرکت دارد. تیپوس ورلد روزنامهٔ مترقی کارگران آمریکا اشاره می‌کند که "ایالات متحدهٔ آمریکا با تشدید تشنج در منطقهٔ خلیج فارس ارتباط مستقیم دارد". این روزنامه نوشته است: "برخلاف اظهارات واشنگتن درباره "بیطرفی" خود در درگیری ایران و عراق، اقدامات آمریکا هرگز بیطرفانه نبوده است. نیروهای مسلح آمریکا که در این منطقه مستقرند. اگرچه هنوز دست به شلیک توپ نزدند عملا به این درگیری جلب شده‌اند. هدف های ایالات متحدهٔ آمریکا در منطقه خلیج فارس از منافع انحصارات نفت سرچشمه می‌گیرد". این روزنامه سپس می‌نویسد: "دسایس ایالات متحدهٔ آمریکا در خاورنزدیک و میانه مقدم بر همه متوجه ایراد لطمه به وحدت نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست در این منطقه و کاهش وحدت این نیروها و همچنین متوجه اعاده رژیم پوشالی و سرسپردهٔ انحصارات غربی

صفحه ۵

مسائل صنعتی شدن...

– داری به سوسیالیسم دیده می‌شوند. نبردی که موجب رویارویی رژیم‌های کهنه و نو اجتماعی گردیده، شکل‌ها و جریان صنعتی شدن کشورهای رهایی یافته را که امروز از مهمترین قلمرو مبارزهٔ اقتصادی – اجتماعی و ایدئولوژیک به شمار می‌روند، نشان می‌دهد. این قلمرو همهٔ مسائل مربوط به صنعتی شدن را در بر می‌گیرد و این سوال را مطرح می‌سازد که آیا کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در کوشش برای ایجاد صنعت ملی به تجربه صنعتی شدن سوسیالیستی نیازمندند یا نه؟ تفاوت‌های موجود بین شکل‌ها و اسلوب‌های صنعتی شدن در کشورهای دارای راه رشد سرمایه‌داری و کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی همواره اختلاف میان نتایج اجتماعی – اقتصادی صنعتی شدن این دو گروه کشورها را شدت می‌دهد.

بسیاری از کشورهای در راه رشد از زمان کسب استقلال به پیشرفت‌های مهمی در این زمینه نائل آمده‌اند، اما با این همه کوشش‌هایشان در این جهت با دشواری‌های قابل ملاحظه‌ای روبرو بوده است. در حال حاضر مسائل اقتصادی صنعتی شدن بنا به واقعیت ورود این کشورها به مرحله کیفیتاً متفاوت مبارزه برای استقلال اقتصادی – که مضمون اساسی آن ابتکارات مربوط به بکار بردن اصول برنامهٔ نظم نوین اقتصادی بین‌المللی است – جنبه‌های تازه‌ای کسب می‌کند. پنجمین اجلاس کنفرانس ملل متحد دربارهٔ تجارت و رشد (**مانیل مه ۱۹۷۹**) یکبار دیگر فرصتی بود برای کشورهای نوپا که ارادهٔ خود را در زمینهٔ از میان برداشتن مواضع صنعتی شدن شان که محصول نابرابری‌های ویژهٔ اقتصاد جهانی سرمایه‌داری است، نشان دهند.

* * *

ضرورت عینی صنعتی شدن کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بر اساس کارکرد سه گروه عوامل کاملاً به هم بسته مشخص می‌شود: محو عقب ماندگی اقتصادی به ارث رسیده از استعمار؛ تمایل به کسب استقلال اقتصادی و رهایی از استثمار امپریالیستی؛ و بالاخره فوریت حل مسائل اجتماعی – اقتصادی مربوط به از میان برداشتن گرسنگی، فقر، بیکاری، بیسوادی، امراض مسری و غیره. هریک از کشورهای رهایی یافته برای تامین استقلال سیاسی خود احتیاج به انقلاب صنعتی در قلمرو اقتصادی دارند.

چنانکه می‌دانیم، کشورهای بزرگ می‌توانند صنعت مدرن کم و بیش کاملی ایجاد کنند، اما برای کشورهای کوچک نه امکان واقعی و نه ضرورت ایجاد موسسات در اکثر بخشها وجود دارد. صنعتی شدن برای برخی از این کشورها جبراً به معنای سمت‌گیری رشد در قلمرو صنعت نیست و مخصوصاً می‌توانند بر اساس پایه‌ای صنعتی معطوف به بهبود کشاورزی، خدمات، تجارت، فعالیت‌های بانکی، حمل و نقل‌ها و غیره، باشد. بنابراین، صنعتی شدن کشورهای جهان سوم مستقل از ویژه‌کاری این یا آن کشور در مجموع منوط به دامنه و خصلت فنی صنعت بطور اعم و صنعت تبدیل مواد بطور اخص است.

در این اواخر به شکاف فزایندهٔ اقتصادی بین کشورهای پیشرفته و کشورهای در راه رشد که محصول سلطهٔ استعماری است، توجه فراوانی معطوف گردیده است. در ۱۹۵۰ تولید سرانهٔ ناخالص داخلی در کشورهای سرمایه‌داری ۱۱/۲ برابر کشورهای در راه رشد (به ترتیب ۱۵۷۰ و ۱۴۰ دلار) بوده است. در ۱۹۷۷، اختلاف به ۱۲/۵ برابر (۳۵۰۰ دلار در برابر ۲۸۰ دلار) افزایش یافت. شکاف در زمینهٔ تولید سرانهٔ صنعت تبدیل مواد به مراتب عمیق‌تر است.

تولید ناخالص رسمی سرانهٔ صنعتی
(به قیمت نرخ‌های رسمی مبادلهٔ ۱۹۷۵)

	۱۹۵۰	۱۹۷۷
کشورهای پیشرفته سرمایه داری	۴۵۵	۱۱۶۰
کشورهای در راه رشد	۲۲	۷۴
منجمله		
آمریکای لاتین	۸۱	۲۱۸
جنوب و جنوب شرقی آسیا	۸	۲۷

اختلاف ارزش تولید خالص رسمی سرانهٔ صنعت در کشورهای پیشرفتهٔ سرمایه‌داری و کشورهای در راه رشد به نفع گروه نخست در ۱۹۵۰، ۴۳۳ دلار و در ۱۹۷۷، ۱۰۸۳ دلار بوده است. تناسب شاخص‌های کیفی، منجمله سطح فنی صنعت و بهره‌وری کار برای کشورهای گروه دوم نامساعد است. کشورهای در راه رشد که سه چهارم جمعیت روی زمین به آنها تعلق دارد، (طبق تعداد لیسانس‌ها و پروانه‌های به ثبت رسیده) تقریباً ۱% قدرت علمی و فنی را در دست دارند.

بنابراین تصادفی نیست که به درخواست کشورهای نوپا پیشنهاد مربوط به لزوم صنعتی شدن سریع آنها به منظور افزایش سهم‌شان در تولید صنعتی از ۷% به ۲۵% لااقل تا سال ۲۰۰۰ به برنامهٔ نظم نوین اقتصادی بین‌المللی افزوده شده است. کشورهای نوپا برای دست یافتن به این هدف همواره به نرخ‌های رشد متوسط سالیانهٔ تولید صنعتی مساوی یا بیشتر از ۱۱% نیاز دارند. این امر بیانگر دو نتیجه است. نخست این واقعیت که فرمول‌بندی وظایفی چنین بلندپروازانه به اهمیت صنعتی شدن کشورهای نوپا گواهی می‌دهد. دوم این که تثبیت این برنامه به وسیلهٔ دستاوردهای محسوس کشورهای در راه رشد در قلمرو صنعتی شدن امکان پذیر شده و بازتاب گرایش‌هایی است که هم اکنون در رشد صنعتی این کشورها به وضوح دیده می‌شود.

تولید صنعتی همهٔ کشورهای در راه رشد در فاصلهٔ ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ چهار برابر شده است. نرخ رشد متوسط سالیانهٔ آن در دههٔ ۷۰ تقریباً ۷% بوده است. این شاخص برای صنعت تبدیل مواد ۸% می‌باشد. در ۱۹۷۸ حجم تولید صنعتی ۶% و حجم تولید صنعت تبدیل مواد ۱۱% افزایش یافت. مراکز و مناطق جدید صنعتی در آسیا آفریقا و آمریکای لاتین بوجود آمده است. **بمبئی** در **هند** (الکتروتکنیک، پتروشیمی، پارچه‌بافی، مرکز فیزیک هسته‌ای)، **سائوپولو – ولتا ردوندا** در **برزیل** (ماشین‌سازی، ذوب آهن، متالورژی غیر آهن، شیمی و صنایع سبک) **حلوان** در **مصر** (ذوب آهن و ماشین‌سازی) **مونتری** در **مکزیک** (ذوب آهن، کارخانهٔ ابزارسازی، پتروشیمی) و غیره از جمله این مراکز است. در ۱۹۷۷، تولید مجموع کشورهای در راه رشد ۵۰% بیشتر از تولید همهٔ کشورهای سرمایه‌داری اروپای غربی در ۱۹۵۰ بوده است. صنعت جوان ملی به مدرنیزه شدن تکنیک کشاورزی که در برخی کشورها منشاء ترقی عظیم تولید کشاورزی بود، کمک نمود.

بطور اساسی، صنعتی شدن محدود به بخش‌های مربوط به تولید کالاهای مورد مصرف عادی است. تنها برخی از کشورهای بزرگ به تازگی، در مقیاس وسیعی، به تولید تجهیزات و وسائل صنعتی پرداخته‌اند که سهم مهمی از آنها به صادرات اختصاص دارد. صنعت جوان **هند** دیگهای بخار، موتورهای برقی، ابزار و وسایل کارخانه‌های پارچه‌بافی، کارخانه‌های چای و قند موتورهای دیزل و یخچال‌های خود را به بازار جهانی عرضه می‌دارد. ماشین ابزارهای ساخت هند توسط کشورهای صنعتی منجمله انگلستان ایالات متحده، هلند و استرالیا خریداری می‌شود. طی دههٔ ۷۰، صنعت ذوب فلزات هند به صنعت صادرکنندهٔ بزرگی بدل گردید. **هند** لوله‌های فولادی و چدنی به قطرهای مختلف به کشورهای در راه رشد و کشورهای پیشرفتهٔ صنعتی چون فرانسه انگلستان، ژاپن و استرالیا تحویل می‌دهد. سالهاست که اتحاد شوروی جای گزیده‌ای میان مشتریان هند دارد. اتحاد شوروی از هند پارچه‌های پشمی و نخی، ماشین‌ها و تجهیزات (منجمله وسایل الکتروتکنیک و گاراژ) محصولات فلزی و شیمیایی خریداری می‌کند.

صنعتی شدن در کشورهای در راه رشد در اساس به تغییرات بنیادی اجتماعی – اقتصادی و در جای نخست به رشد بخش دولتی مربوط است. بخش دولتی در هند نزدیک به ۱۶% محصول ناخالص ملی را در دست دارد. لازم به یادآوری است که ۱۲۹ موسسهٔ عمومی صنعتی به خاطر تقریباً ۵۰ محصول اساسی که مواضع محکمی برای دولت در اقتصاد ملی تامین می‌کنند، در اکثریت قرار دارند. گسترش صنعت ملی، شکل‌بندی طبقات را در بسیاری از کشورهای نوپا – که هنوز تحقق نیافته است – در پی دارد. تعداد کارگران صنعتی جهان سوم با بیش از ۶۰ میلیون نفر سه بار از ایالات متحده و ۱/۵ بار از اروپای غربی بیشتر است. بورژوازی ملی صنعتی نیز رو به رشد است. به موهبت صنعتی شدن، درآمد متوسط سرانهٔ ملی این کشورها علی‌رغم رشد شدید جمعیت رو به فزونی است. با اینهمه نابرابری در توزیع در کشورهای دارای سمت‌گیری سرمایه‌داری شدت یافته است.

صنعتی شدن، مخصوصاً هنگامی که به کمک کشورهای جامعهٔ سوسیالیستی انجام می‌گیرد، همواره امکانات مستعمرات پیشین را در ساختمان موسسات صنعتی جدید با تکیه بر نیروهای خاص‌شان، افزایش می‌دهد. سهم تجهیزات ساخت هند در میان وسایل و لوازم مورد استفاده مجتمع ذوب آهن **بهیلایی** در مرحله نخست کارها ۱۰% و در مرحلهٔ دوم ۲۰% بوده است.

روند صنعتی شدن در کشورهای نوپا بطور فوق‌العاده نابرابر جریان دارد و این امر موجب تقویت تمایزشان می‌شود.

در حال حاضر حجم تولید سرانه صنعتی در آمریکای لاتین سه بار بیشتر از متوسط **جهان سوم** در مجموع و ۸ بار بیشتر از سطح جنوب و جنوب شرقی آسیا است. در آن دسته از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین که راه رشد سرمایه‌داری را انتخاب کرده‌اند، صنعتی شدن موجب پدید آمدن گرایش **به** شکل‌بندی گروه‌های انحصاری ملی شده است. البته، انحصارات این کشورها را نمی‌توان از حیث اهمیت‌شان با شرکتهای صنعتی قدرت‌های غربی برابر دانست. لیکن این انحصارات مانند انحصارات غربی می‌کوشند موقعیت مسلطی بدست آورند و سودهایشان را از راه محدود نمودن مصنوعی رقابت‌ها افزایش دهند. این گروه‌ها سرزمین‌هایی را که کمتر صنعتی شده‌اند، به عنوان حاشیهٔ کشاورزی بازار کالاهای صنعتی و قلمرو صدور سرمایه‌های خود می‌نگرند. همه این عوامل پدید آورندهٔ شکل جدیدی از روابط است که می‌توان آن را با اصطلاح **مادون امپریالیسم** مشخص کرد.

چون کشورهای در راه رشد به اقتصاد جهانی سرمایه‌داری وابسته‌اند، صنعتی شدن آنها موجب تشدید تضادهای آن می‌شود. این تضادها در قالب تشدید رقابت و افزایش برخوردها بین کشورهای نوپا و کشورهای پیشرفتهٔ سرمایه‌داری خودنمایی می‌کند. صنعتی شدن کشورهای نو پا تابع قوانین سیکل سرمایه‌داری و نفوذ سیاست سرمایهٔ انحصارگر بین‌المللی است. البته، این امر حل برخی مسائل را ممکن می‌سازد و به نوبهٔ خود آفرینندهٔ یک رشته از مسائل دیگر است. در کشورهایی که راه رشد سرمایه‌داری را انتخاب کرده‌اند، نابرابری‌های اجتماعی شدت روزافزونی یافته و شرایط مساعدی برای تشدید تضادهای خاص جامعهٔ بورژوایی بوجود می‌آید. این گروه از کشورها به ناچار با اوج بیکاری و تورم و عدم تامین فزایندهٔ مادی و غیره روبرو می‌شوند.

(ادامه دارد)

بقیه: مطبوعات جهان و اوضاع...

در تهران است": روزنامهٔ **اتیوپن هرالد** نوشته است: تیره شدن اوضاع در خلیج فارس به سود امپریالیسم آمریکا و به نفع نیروی صهیونیسم و ارتجاع است. روزنامهٔ **اتیوپن هرالد** سپس می‌نویسد: بار اول نیست که نظامیگران ایالات متحدهٔ آمریکا با استفاده از بهانهٔ مبتذل خطر موهوم که گویا "**منافع حیاتی**" ایالات متحده آمریکا را تهدید می‌کند حضور خود را در اقیانوس هند و در نواحی مجاور آن شدت می‌دهد. واشنگتن و متحدین آن در پیمان تجاوزکارانهٔ ناتو، با وجود اعتراضات کشورهای مستقل منطقه که سیاست عدم تعهد را اتخاذ نموده‌اند حاکمیت ملی این کشورها را نقض می‌کنند و استقلال آنها را در معرض خطر قرار می‌دهند. روزنامهٔ اتیوپن هرالد می‌افزاید: در حالی که دول امپریالیستی به قدرت‌نمایی در این منطقه دست می‌زنند. کشورهای اردوگاه سوسیالیستی که در راه صلح و تامین تشنج‌زدایی بین‌المللی مبارزه می‌کنند، بر اساس اتحاد محکم با کشورهای در حال رشد اقدام می‌نمایند. روزنامهٔ **آنده سوپی** چاپ **سنگال** نوشته است: **امپریالیسم بین‌المللی که امپریالیسم آمریکا در راس آن قرار دارد**، تلاش می‌کند با استفاده از این که عراق و ایران در جنگ خونین ضعیف‌تر می‌شوند و با استفاده از شکاف در وحدت نیروهای ترقیخواه سیادت خود را در منطقهٔ خاورمیانه برقرار کند. این روزنامه سپس می‌نویسد: پنتاگون بر شدت تشنجات در این منطقه می‌افزاید و واحدهای بزرگ نیروی دریایی، نیروی هوایی، تفنگداران دریایی و نیروهای واکنش سریع را در آن متمرکز می‌سازد. روزنامهٔ آنده سوپی نوشته است: **واشنگتن** سعی دارد به بهانهٔ دروغین دفاع از راه‌های حمل نفت از خلیج فارس به جنبش آزادی‌بخش ملتها لطمه بزند ■

حادثه‌ای در قفس...

از آن در کیهان یکشنبه ۵۹/۸/۱۸ به چاپ رسید، پس از اشاره به "اشروحشتناک" بازداشت یکی از شرکت کنندگان بحث آزاد نامبرده "به لحاظ احساس عدم امنیت و بی اعتبار کردن قانون اساسی" در مردم و تاکید بر این نکته که "وقتی با چنین سادگی و افتضاح یک مبارز کهنه‌کار، عضو شورای انقلاب، مدیرعامل رادیو تلویزیون و وزیر خارجهٔ جمهوری اسلامی توقیف و توهین می‌شود، دیگر چه آبرو برای اسلام و انقلاب ایران باقی خواهد ماند"، در خطاب مستقیم به حضرت امام خمینی، "جدا و استرحاماً از مقام رهبری انقلاب "خواهان دخالت ایشان و "جبران و جلوگیری از این تجاوزات" می‌شود. بزودی دیگران هم - از جمله تنی چند از مقامات روحانی - اظهاراتی در نکوهش اقدام دادستان انقلاب تهران می‌کنند و آن را "عملی ناشایست و ناروا"، "توقیف آزادی بیان و انتقاد مشروع"، "مقدمهٔ بازگرداندن سانسورها و بی‌عدالتی - ها و حکومت فردی برجامعه" می‌شمارند. در این میان، کیهان و دو سه روزنامهٔ دیگر تهران که در موضع سیاسی، اقتصادی و طبقاتی معینی قرار دارند، روغن بر آتش می - پاشند و با تیترهای درشت خبر از راه‌پیمایی مردم قم، جمع - آوری امضا در پای طومارهای چند و چندین متری، دستگیری امضاء کنندگان طومار در قم، نامهٔ سرگشادهٔ بازاریان تهران و فعالیت های دیگر می‌دهند. سی و شش تن نماینده، با استناد به اصل ۳۲ قانون اساسی، از رئیس مجلس شورای اسلامی می - خواهند که "هرچه زودتر از نقض قانون اساسی جلوگیری گردد". حمله‌ها بی امان است و رجزخوانی ها مکرر - بویژه از جانب "مبارز کهنه‌کار" که به مجرد ترک اوین مدعی می - شود: "چون به‌امرامام آزاد شدم، هیچ‌شرطی را برای آزادی خود قایل نشدم"، و حال آن که، به گفتهٔ آقای لاجوردی دادستان انقلاب تهران، ایشان پس از چهل و چند ساعت بازداشت "به قید کفالت آزاد شد و پرونده‌شان مفتوح است".

کار این جنجال حتی به رادیوهای امپریالیستی و صهیونیستی کشیده می‌شود که البته جانب "مظلوم" را می‌گیرند و برای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که گویا پایمال انحصارطلبی حزبی شده است یقه می‌درانند تا جایی که باید از خود پرسید آیا جبههٔ تبلیغاتی تازه‌ای برضد جو انقلابی و سازش ناپذیر کنونی ایران - و این بار در موضع دفاع از قانون اساسی - در کار گشوده شدن است؟ در واقع، این صف بندی و جبهه‌گیری، به گفتهٔ حجت الاسلام علی قدوسی دادستان کل انقلاب در مصاحبهٔ جمعه شب ۲۳ آبان که در اخبار تلویزیون پخش شد، "موضوع ساده‌ای" به نظر نمی‌رسد و گویا "هستند کسانی که "می‌خواهند جو متشنج ایجاد شود"، زیرا - باز به گفتهٔ ایشان - "این مرده قابل این شیون نیست".

ولی، اگر هم این مرده به چنین شیونی ارزانی نباشد، از دست دادن صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، این موثرترین وسیلهٔ نفوذ در اذهان مردم و به حرکت درآوردن - شان در عرصهٔ اجتماعی و سیاسی، به صد چنین شیونی می - ارزد. عزل کسی که خود را قائم مقام سرپرست رادیو تلویزیون می‌داند و پس از احضار به دادگاه انقلاب روانهٔ زندان کرده است و جهت "روشن شدن بیشتر حقایق!" دادستان کل کشور، آقای موسوی اردبیلی را، به بحث آزاد دعوت می‌کند، اگر با انتصاب دو تن از سوی دادستان کل برای سرپرستی موقت رادیو تلویزیون همراه نمی‌بود با چیز عادی و ساده‌ای تلقی می - شد. ولی مقارن بودن این دو امر به مراتب بیش از یک عزل و نصب عادی معنا و برد دارد. اینجا سنگر عمده‌ای است که از دست می‌رود و هر آتشی که هست از اینجا زبانه می‌کشد. بیهوده نیست که، به نوشتهٔ کیهان در شمارهٔ بیستم آبان، راه‌پیمایان قم (؟) فریاد بر می‌دارند:

"صدا و سیمای ایران - از انحصار حزبی - آزاد باید گردد!"

و این شعار به طرفداری از کسانی داده می‌شود که در سراسر دوران پس از انقلاب، صرف‌نظر از پاره‌ای جرح و تعدیل های جزئی، صدا و سیمای ایران را در انحصار خود داشتند و بدیهی - ترین مصالح سیاست داخلی و خارجی انقلاب ما را - آنجا که مسئلهٔ شناخت دوستان و دشمنان انقلاب عظیم خلقی و ضد امپریالیستی ایران مطرح است - به عمد زیر پا می‌گذاشتند.

به هر حال، ماجرای برنامهٔ "بحث آزاد" آنچنانی را باید سرآغاز یک زورآزمایی جدی و آشکار در میدان سیاست دانست. مسئله، به رغم آنچه به ظاهر می‌توان دید، کلی است و سراسر انقلاب و راه آیندهٔ آن و مشی اصولی جمهوری اسلامی ایران را مطرح می‌کند. ضربه‌هایی که در چند ماههٔ اخیر در مجلس، دولت، اقتصاد، رهبری جنگ و سیاست خارجی به جناح معینی از بورژوازی ایران وارد شده آن را به بهانه‌جویی و کینه - توزی و آمادهٔ ستیز کرده است. امکان حرکات ماجراجویانه را، از این سو، بهتر است که از نظر دور ندارند.●

نفت و آزمندیهای امپریالیسم آمریکا

"نفت" کلمه‌ای است که غالباً امپر - یالیسم آمریکا از آن برای توجیه سیاست توسعه‌طلبانهٔ خود در خاور نزدیک و میانه، بویژه خلیج فارس استفاده می - کند. تبلیغات ایالات متحده می‌کوشد ثابت کند که "روس ها" یا توده‌های "فناتیک مسلمان" در نظر دارند تحویل نفت این منطقه را به ایالات متحده و اروپای غربی قطع کنند.

این "دلایل" وقتی می‌تواند موثر باشد که جهانیان کور و کر بوده باشند. واقعیات نشان می‌دهند که این آمریکا است که در حال حاضر به تدارک تجاوز در خلیج فارس و دریای عمان مشغول است و نیروهای ضربتی اش را به این منطقه اعزام نموده است.

در پشت واژه‌ها

نسبت دادن اعمال خود به دیگران شیوه‌ای است که سابقهٔ دیرین دارد. امپر - یالیستها از این شیوه به وسعت سود می‌جویند.

انحصارات آمریکا (هماهنگ بریتانیا) حتی در صورت از دست دادن کنترل مستقیم استخراج نفت و تنظیم قیمت های آن با شبکه‌ای از شعبه‌ها، حمل و نقل، توزیع و تصفیه نفت را در دنیای سرمایه‌داری زیر کنترل خود دارند. واشنگتن امروز سخت در تلاش است که کنترل مستقیم نظامی اش را برای تحویل نفت برقرار کند و در صورت امکان با سرکوب جنبش های رهایی بخش منطقه کنترل قسمتی از چاه های نفت را برای انحصارات نفتی آمریکا تامین نماید.

در حال حاضر خلیج فارس ۶۰% منابع نفت استخراجی دنیای سرمایه‌داری را در دست دارد. ذخیرهٔ این منابع مجموعاً ۵۰ میلیارد تن است که ۲۳ میلیارد تن آن متعلق به عربستان است. تقریبا دو پنجم نفت دنیای سرمایه‌داری از این منابع استخراج می‌شود (۱/۰۷ میلیارد تن در ۱۹۷۹). قریب دو سوم صادرات جهانی نفت (نزدیک به ۱ میلیارد تن) عمدتا از راه تنگهٔ هرمز تامین می‌شود.

کشورهای اروپای غربی (به جز انگلستان و نروژ) و ژاپن عملا فاقد نفت اند. ایالات متحدهٔ آمریکا تقریبا ۴۵۰ میلیون تن نفت در سال تولید می‌کند. اما مصرف آن بیش از دو برابر است. آنها با صرفه‌جویی در منابع خود، همواره واردات نفت شان را افزایش می‌دهند. آمریکا در پی کسب نفت ارزان است.

اصولا کشورهای تولیدکنندهٔ نفت مایلند که نفت خود را صادر کنند. اما می - خواهند که فروش نفت شان بر اساس حقوق برابر انجام گیرد و منافع اقتصادی شان لگدمال نگردد. به همین مناسبت این کشورها از ۲۰ سال پیش سازمان کشورهای صادرکنندهٔ نفت "اوپک" را بوجود آوردند. اکنون این سازمان ۱۳ عضو دارد. کشور - های خلیج فارس در آن اکثریت دارند. کشورهای عضو اوپک با جبههٔ متحد خود در برابر انحصارات نفتی به پیشرفتهای چشمگیری نائل آمدند و از این رو در عرصه بین المللی نیروی اقتصادی، مالی و سیاسی موثری را تشکیل می‌دهند.

واشنگتن با کشاندن نیروی دریایی هوایی و چترباز خود به منطقهٔ خلیج فارس در تلاش است با تهدید و ارعاب صدور نفت ارزان را به آمریکا تامین کند. اما دوران "کشتی های توپدار" مدتهاست سپری شده، خاورمیانه و نزدیک دیگر به دوران نفرت انگیز دهه‌های گذشته باز نخواهد گشت.

آمریکا با محاصرهٔ اقتصادی ایران انقلابی در سودای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی ایران است. زیرا انقلاب ایران به غارت نفت ایران به وسیلهٔ کارتل های نفتی آمریکا، انگلیس، فرانسه، هلند و غیره پایان داد.

اما تهدید سلاحی دو دمه است. ر. استیل مولف "پاکس آمریکانا" و "دانداف الیانس" (پایان اتحاد) در "نیوس دی" نوشت:

"آنچه به ژاپن و اروپای غربی مربوط می - شود، جدی ترین خطر برای آنها در تهیهٔ نفت حضور شوروی در افغانستان نیست، بلکه سیاست و رهبری کارتر در ایران است که تحویل نفت ایران را متوقف ساخت و به ترقی شدید قیمت ها پس از سقوط شاه انجامید".

آنها حق دارند از خود بپرسند: آیا واشنگتن واقعا به منافع متحدین اروپای غربی و ژاپنی خود توجه دارد یا این که عالماً و عامداً برضد این منافع رفتار می‌کند؟

با زمزمهٔ "خطر نظامی شوروی" در گوش متحدانش می‌کوشد آنها را به برقراری کنترل خود بر چاههای نفت متقاعد سازد.

خیلی پیش از انقلاب ایران امکان اشغال چاههای نفت ایران و سواحل عربی بررسی شده بود. تهاجمات مکرر دریایی و هوایی که امروز از آن صحبت می - شود از ۱۹۷۴ - ۱۹۷۳ از فردای جنگ اعراب - اسرائیل و منع صدور نفت اعراب به عده‌ای از کشورهای غربی دنباله رو آمریکا آغاز گردید.

هنگامی که عروسک امپریالیسم آمریکا از تخت سلطنت نواستعماری فرو - افتاد، واشنگتن به شدت دچار سرگیجه شد. دستگاه رهبری آمریکا که خلیج فارس را "منطقهٔ منافع حیاتی" ایالات متحده اعلام کرد و تهدید نمود که از این منطقه "با تمام وسایل، منجمله نیروی مسلح دفاع خواهد کرد" مدعی "حق" مداخله و اعمال سیاست امپراتوری است. رهبران ایالات متحده



منافع انحصارات در بسیاری جهات تعیین کنندهٔ سیاست آمریکا در خاور نزدیک است.

عطش سلطه‌جویی

سرمایه‌داری به ویژه سرمایه‌داری آمریکا ده‌ها سال منابع روبه‌اتمام زیر - زمینی، بالاخص نفت را چپاول نمود. از آهنگ های رشد بالنسبه پیشرفتهٔ غرب و ژاپن در فاصلهٔ سالهای ۵۰ و آغاز دههٔ ۷۰ چنین برمی‌آید که آنها بسیاری از مواد اولیه را تقریبا رایگان به دست آوردند. تصادفی نیست که آنها توانستند ترقی بیش از دو برابر قیمت های نفت را طی هفت سال تحمل نمایند.

فرماندهان اقتصاد سرمایه‌داری با شنیدن اولین جرقهٔ تند بحران انرژی توانستند عمق مخازن نفت شان را ببینند. به این دلیل کاملا روشن است که استراتژی های واشنگتن بیهوده خیال خام برقراری کنترل احتمالی شان را بر منابع انرژتیک جهان سرمایه‌داری در سر می‌پرورانند.

ایالات متحده امروز با رقیبان جدی روبروست. آنها عبارتند از اروپای غربی پیش از همه بازار مشترک و ژاپن. امپر - یالیسم آمریکا دیگر انحصار دنیای سرمایه - داری را در دست ندارد. ایالات متحده با از دست دادن مواضع مسلط خود در بسیاری از بخش های مهم اقتصادی همچنان برتری اش را در زمینهٔ نظامی نسبت به متحدان رقیب حفظ کرده است. این وضع محافل رهبری آمریکا را تشویق نموده است که نقش پیشین - شان را در اعمال فشارهای نظامی مخصوصا در مناطق نفت خیز به عهده گیرند. واشنگتن

نسبت به ایران رفتار شلول بندهای تگزاس را در پیش گرفته‌اند.

در واشنگتن حتی گفته شده است که: "ایالات متحده می‌تواند در خلیج فارس سلاح هسته‌ای تاکتیکی بکار برد". البته با سلاحهای معمولی هم می‌توان چاهها، لوله - های نفت و بندرها را نابود کرد. بی - جهت نیست که آمریکا را به فیل دیوانه‌ای تشبیه کرده‌اند که همه چیز را لگدکوب می - کند. اما، به برکت ارادهٔ خلق انقلابی ایران و خلقهای قهرمان منطقه بی‌تردید این "فیل دیوانه" زنجیر خواهد شد.

تصحیح

در شماره گذشته در شعر "سرود برای آزادی" مصرع پائین را به ترتیب زیر اصلاح فرمائید:

"جوجهٔ لکلک پیری بودی"

"اتحاد مردم"
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
سردبیر: محمدتقی برومند
آدرس: خیابان سزاوار شمارهٔ ۱۸۹
تلفن: ۶۴۴۳۸۴
چاپ کاویان - تلفن: ۳۹۲۵۱۹